

رویدادهای مهم تاریخی

حاورستان

از سقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز

گروه پژوهش‌های تاریخی
زیر نظر: محسن میرزایی



از کارهای دیگر «سادات» که بعدها موجب شکست همگان گردید سرزنش آشکار محمد حسنین هیکل سردبیر روزنامه الاهرام بود به خاطر بدگویی به روس ها و انتقاد از سیاست خاورمیانه‌ای اتحاد جماهیر شوروی.

سردبیر روزنامه الاهرام در این مورد می نویسد: «پرزیدنت سادات به خاطر مقالاتی که من با عنوان «نه صلح و نه جنگ» در روزنامه الاهرام نوشته بودم، به بطور علنی و سپس روز در روز، مرا سرزنش کرد و از من خواست که از ادامه انتشار آن مقالات خودداری کنم. «سادات» خطاب به من گفت: «روس ها تنها دوست من هستند، و من در پاسخ او گفتم: «این هم مشکلی است اگر انسان فکر کند در دنیا فقط یک دوست دارد.» «سادات» همان موقع تصمیم گرفته بود که کارشناسان روسی را بیرون کند و در ذهن خود این کار خطیر را اسبک و سنگین می کرد.

مشکلی که «سادات» با احیران می کرد این بود که سیاست کج داد و میز را تا کی می تواند ادامه دهد. در این موقع که اواخر ژوئن سال ۱۹۷۲ بود، وزیر دفاع عرب سرپرستان سعودی به همراه همان اشخ ادمه که برادر زن پادشاه عربستان سعودی بود به قاهره آمد و یک کار دیگر موضوع حضور کارشناسان نظامی روسی در مصر که مانع بزرگی برای مشارکت آمریکاییان در روند صلح خاورمیانه بود، مطرح شد.

سعودی ها گفتند: اگر سادات در این مورد تصمیمی گرفته است ما در میان بگذاریم تا بتوانیم در ازای اخراج «سادات» در عالم خیال چنین تصور کرده بود که به محض اعلام اخراج کارشناسان روس، آمریکاییان آن چنان خوشحال خواهند شد که بی درنگ با هر چه که «سادات» بخواهد مقاومت خواهند کرد، لیکن محاسبات «سادات» نادرست بود. بعدها وقتی که «سادات» روس ها را بیرون کرد و امتیازی از سوی آمریکاییان به او داده نشد، «کیسینجر» گفت: «ای کاش سادات به ما گفته بود چه نوع کاری می خواهد کند، اگر می گفت احتمالاً در ازای آن چیزی نداشتیم. می کردیم، در عالم سیاست کسی حاضر می شود بهای چیزی را بپردازد که عملاً به دست آورده است.»

تصمیم پر سر و صدا
سرانجام «سادات» بر تردیدهای خود فائق آمد و یک روز قبیل اعلام تصمیم پرسروصدای اخراج روس ها (هشتم ژوئیه ۱۹۷۱) این را از ربا «سپهد سادق» وزیر جنگ مصر که با خشنی کردن کودتایی در اوایل زمآمداری سادات حقی بزرگ بر او داشت در میان گذاشت.

«سپهد صادق» از تکراری های خود سخنی نگفت تنها به «سادات» توصیه کرد، طوری رفتار کند که مسأله رفتن روس ها جنبه اخراج به خود نگردد و صورتاً به سادات گفت: «اگر چه ما انتقاداتی نسبت به رفتار و سیاست اتحاد جماهیر شوروی داریم ولی باید

همان طور که در گزارش های پیشین نوشتیم، «سادات» بعد از انتخاب شدن «نیکسون» به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا با توجه به تحولات جدیدی که در عرصه سیاست بین الملل پدید آمده بود، به این نتیجه رسید که روس ها توانایی آن را ندارند که اسرائیل را از سرزمین های اشغالی عقب نشانند. از این رو با نمایش گرایش به جیب به تدریج به جهان غرب متمایل شد و به این امید که اخراج روس ها از مصر، در پیچه زرادخانه و خزاین جهان غرب را به روی او خواهد گشود در صدد بیرون کردن روس ها برآمد.

«سادات» در حد توان خود این تصمیم را از همگان پنهان نگاه داشت و با وجود آن که عوامل اطلاعاتی آمریکا و سعودی ها و روس ها، او را زیر نظر داشتند به طور زیر کانه ای توانست آن ها را بفریبد و از تصمیم نهایی خود بی خبر نگاه دارد به طوری که دو ماه پیش از اخراج کارشناسان روسی، از «مارشال گرچگو» وزیر جنگ روسیه به هنگام دیدار از قاهره، تحلیل کم نظیری به عمل آمد و مارشال شوروی پیش از شرکت در مهمانی سران ارتش مصر، به خانه رئیس جمهوری دعوت شد و «سادات» از او به گرمی پذیرایی کرد.

به این نکته توجه داشت که آن ها در حال حاضر تنها منبع تأمین سلاح های مورد نیاز ما هستند.»
عکس العمل شکست انگیز روس ها
از آن جا که فرمانروایان کرملین در خاورمیانه سیاست بسیار بیچسبیده ای را دنبال می کردند، اخراج کارشناسان روسی از ارتش مصر، نه تنها روند ارسال سلاح ها را متوقف نکرد بلکه مقدمات روسی تجهیزیات و سلاح های بیشتری را در اختیار ارتش مصر گذاشتند. در این مورد نمی توان اظهار نظر قطعی کرد که هدف روس ها از این کار تسکین شکست انگیز چه بود شاید با ارسال سلاح های بیشتر می خواستند به ارتش مصر این پیام را بدهند که با وجود اخراج کارشناسان روسی، در انجام وظایف خود کوتاهی نکرده اند و بدین ترتیب از انتقادات مردم مصر نسبت به سیاست اتحاد جماهیر شوروی بیشگری کردند.

تردیدهای سادات
با توجه به اوضاع احوال، با آنکه پیش بینی می شد که سال ۱۹۷۲ سال درگیری اعراب و اسرائیل خواهد بود، در این سال اتفاقی نیتاد، روسها هم به رغم اخراج کارشناسان روسی بی اعتنا به سیاست گرایش به است سادات، اسبل سلاحهای روسی را روانه مصر کردند.

سرانجام سال ۱۹۷۳ با بار سنگینی از احتمالات فرا رسید، در حالی که شواهد امر خبر از وضعیت خطرناکی می داد زیرا بسبب ارتش به درازا کشیده شده بود و پسرانه آمادگی های جنگی فزونی یافته و آموزش های عبور نیروها از کانال سوئز تکمیل شده بود، تا آنجا که واحدهای ارتش مصر مانورهای عملیات پیچیده عبور از یک مانع آبی را دهها بار و در سطح چند سیاه تمرین کرده بودند و تمرینات بیشتر کسالت آور بود. در این هنگام «سادات» «سپهد صادق» را به اتهام اینسکه در آماده سازی ارتش کوشایی کرده است، برکنار کرد و سپهد «اسماعیل

پنهان کاری های سادات

کرده بودند. در لایه لایه می سیاسی تپاه شده می نمود و تمامی این احوال می توانست در روحیه نیروهای مسلح بشدت اثر گذار باشد.

«سادات» برای خروج از بن بست، «حافظ اسماعیل» مشاور امنیتی خود را برای دیداری رسمی با «سادات» از روی غریزه درک می کرد که تمامی این تشنجات متراکم ممکن است روزی منجر به انفجار شود و اگر او نتواند این انفجار را مهار کند، سرش بر باد خواهد رفت. ولی نمی دانست در آن برهه از زمان چه کند.

آنچه سادات به فوریت بدان نیاز داشت، یک نبرد کوچک با هدف جلب توجه دو ابرقدرت بود و در نتیجه نداشتن توانی در این حمایت

کرده بودند. در لایه لایه می سیاسی تپاه شده می نمود و تمامی این احوال می توانست در روحیه نیروهای مسلح بشدت اثر گذار باشد.

«سادات» برای خروج از بن بست، «حافظ اسماعیل» مشاور امنیتی خود را برای دیداری رسمی با «سادات» از روی غریزه درک می کرد که تمامی این تشنجات متراکم ممکن است روزی منجر به انفجار شود و اگر او نتواند این انفجار را مهار کند، سرش بر باد خواهد رفت. ولی نمی دانست در آن برهه از زمان چه کند.

آنچه سادات به فوریت بدان نیاز داشت، یک نبرد کوچک با هدف جلب توجه دو ابرقدرت بود و در نتیجه نداشتن توانی در این حمایت

کرده بودند. در لایه لایه می سیاسی تپاه شده می نمود و تمامی این احوال می توانست در روحیه نیروهای مسلح بشدت اثر گذار باشد.

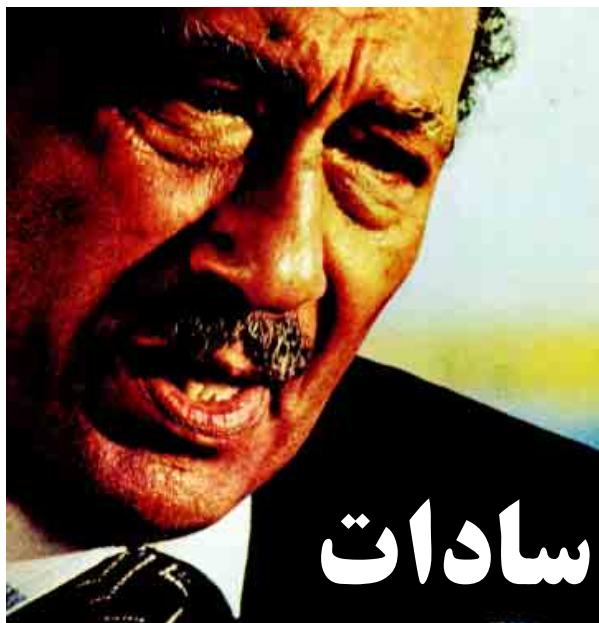
«سادات» برای خروج از بن بست، «حافظ اسماعیل» مشاور امنیتی خود را برای دیداری رسمی با «سادات» از روی غریزه درک می کرد که تمامی این تشنجات متراکم ممکن است روزی منجر به انفجار شود و اگر او نتواند این انفجار را مهار کند، سرش بر باد خواهد رفت. ولی نمی دانست در آن برهه از زمان چه کند.

آنچه سادات به فوریت بدان نیاز داشت، یک نبرد کوچک با هدف جلب توجه دو ابرقدرت بود و در نتیجه نداشتن توانی در این حمایت

کرده بودند. در لایه لایه می سیاسی تپاه شده می نمود و تمامی این احوال می توانست در روحیه نیروهای مسلح بشدت اثر گذار باشد.

«سادات» برای خروج از بن بست، «حافظ اسماعیل» مشاور امنیتی خود را برای دیداری رسمی با «سادات» از روی غریزه درک می کرد که تمامی این تشنجات متراکم ممکن است روزی منجر به انفجار شود و اگر او نتواند این انفجار را مهار کند، سرش بر باد خواهد رفت. ولی نمی دانست در آن برهه از زمان چه کند.

آنچه سادات به فوریت بدان نیاز داشت، یک نبرد کوچک با هدف جلب توجه دو ابرقدرت بود و در نتیجه نداشتن توانی در این حمایت



ادامه دارد



از راست به چپ: فیصل ملک پادشاه عربستان سعودی و انور سادات رئیس جمهوری مصر